

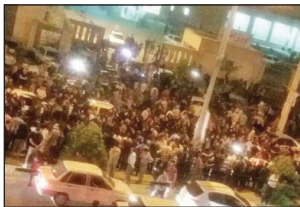
قربانیان بی گناه

هر چند در ۹ سال گذشته ۲۴ نفر در درگیری بین دو طایفه جان‌شان را از دست داده‌اند اما خیلی از آنها افراد بی‌گناهی بودند که در ازدحام و شلوغی به طور اتفاقی جان‌شان را از دست دادند. افراد دیگری هم در بین قربانیان وجود دارند که در درگیری دخیل نبودند و به دلیل دخالت نزدیکان‌شان در کشمکش‌ها قربانی انتقام جویی شده‌اند.



آخرین صلح

با وجود اینکه دو طایفه درگیر، بارها با یکدیگر صلح کرده و بعد از مدتی دوباره درگیر شده‌اند اما این بار دوطرف مصمم هستند تا با گذشت، اختلافات قدیمی را کنار گذاشته و با یکدیگر صلح کنند تا روستا به وضع قبل از شروع درگیری‌ها برگردد و با بازگشت خانواده‌هایی که کوچ کرده‌اند همه در کنار یکدیگر با صلح زندگی کنند.



یکی از طرفین درگیری می‌گوید همه از ادامه دار شدن این پرونده خسته شده‌اند

خسته از درگیری، تشنه صلح

چند سال را به اتهام مشارکت در نزاع در زندان گذرانده و در این بین چند نفر از اقوامش را در درگیری‌ها از دست داده است. با اینکه او از طایفه محمدی است اما می‌گوید هر دو طرف به خاطر ادامه دار شدن اختلاف و درگیری مقصر هستند و نباید اجازه می‌دادند که یک اختلاف ساده به قتل کشیده شود. او که تمایل ندارد نامش منتشر شود در گفت‌وگویی به سال‌ها درگیری طایفه‌ای در این روستا پرداخته است.

درباره ریشه اختلاف بین این دو طایفه صحبت کنید.

آنها حدود ۹۰ خانواده و ما حدود ۱۵۰ خانواده بودیم. درگیری از یک بگومگوی ساده شروع شد اما در ادامه کار به جایی کشیده شد که بیشتر از ۲۰ نفر کشته شدند. یکی از طایفه مقابل که سن زیادی هم داشت به یک خانمی از طایفه ما که شوهرش فوت شده بود توهین کرده بود و این درگیری به این شکل از سال ۹۴ شروع شد. پسر این زن هم به این فرد اعتراض کرد. اول پسر جوان با دست به صورت مرد زده بود و در ادامه پسران مرد از او هواداری کرده بودند و با هم درگیر شدند.

بزرگان منطقه در این دعوا پادرمیانی کردند و از هر طرف ۵ نفر که در دعوا بودند دستگیر و به کلانتری منتقل شدند و در آنجا بزرگان تلاش کردند که طرفین درگیری با یکدیگر صلح کنند اما متأسفانه چند جوان که اصلاً خبری از ماجرا نداشتند دخالت کردند و درگیری دوباره شروع شد و همان روز درگیری طوری بالا گرفت که حدود ۵۰۰ نفر با هم درگیر بودند و حدود ۱۰۰ نفر با سنگ و چوب و چماق مجروح شدند.

چون چند نفر را دستگیر کرده بودند و بقیه هم به خاطر دستگیری آنها ناراحت شدند و باز هم درگیری‌ها ادامه پیدا کرد. در این درگیری ۹ نفر در روستای پتک کشته شدند که یک نفر از ما و ۸ نفر از آنها بود. در این درگیری اغلب افراد مسلح

بازهم درگیری

به نظر می‌رسید که قرار است پتک جلالی بار دیگر روی آرامش به خود ببیند اما باز هم درگیری رخ داد. چند نفر از اعضای دو طایفه در زمین کشاورزی با یکدیگر درگیر شدند. یکی از طرفین در حال برداشت گوجه‌فرنگی بودند که طرف‌های مقابل برای برداشت گندم سرسپردند و وقتی با یکدیگر رودرو شدند با یک بگومگوی ساده درگیری آغاز شد. یکی از طرفین مسلح بود و وقتی بگومگو بالا گرفت شروع به تیراندازی کرد و در این بین ۴ نفر مجروح شدند. آن شب بار دیگر پتک جلالی به میدان جنگ تبدیل شد و در حالی که طرفین به انواع سلاح‌های گرم شامل کلت، کلاشینکف و وینچستر مسلح بودند ۲ نفر بر اثر اصابت گلوله جان خود را از دست دادند و شماری مجروح شدند. همچنین چندین خانه نیز تپه آتش سوزی شد و به تاسیسات برق روستا نیز آسیب جدی وارد شد. با احتساب این دو جان‌باخته، ۲۰ نفر از دو طایفه در درگیری جان خود را از دست داده و ۲ نفر نیز قاصص شدند.

این ماجرا ادامه دارد

وقتی شمار قربانیان درگیری‌های طایفه‌ای در پتک جلالی به ۲۰ نفر رسید، همه از صلح و بازگشت آرامش به آنجا صحبت می‌کردند. مردم از ادامه درگیری‌ها خسته شده بودند و امیدوار بودند تا سرانجام آنها به آرامش برسند اما مدتی بعد باز هم بین دو گروه از طرفین درگیری اتفاق افتاد. در شرایطی که دو نفر در حاشیه روستا بودند چند نفر دیگر از طایفه مقابل سد راه‌شان شدند و آنها را به رگبار گلوله بستند. در این حادثه یک نفر به قتل رسید و دومین نفر که به شدت مجروح و دچار خونریزی شده بود به بیمارستان منتقل شد. ادامه درگیری‌ها جان ۲ نفر دیگر را هم گرفت. این ماجرا هفته گذشته بار دیگر تکرار شد. معلمی بازنشسته که همراه با همسرش سوار خودروی شخصی‌اش بود در حوالی روستا هدف گلوله قرار گرفت و به قتل رسید. انطور که شواهد نشان می‌دهد او در این سال‌ها هیچ نقشی در این درگیری‌ها نداشت اما مردان مسلح از طایفه مقابل سر راهش سبز شدند و او را مقابل چشمان همسرش به قتل رسانده و گریختند. هرچند یک روز بعد پلیس اعلام کرد که عاملان جنایت دستگیر شده‌اند اما بار دیگر سایه درگیری و اختلاف بر سر پتک جلالی افتاده است و با احتساب این قربانی، شمار جان‌باختگان درگیری‌های طایفه‌ای در پتک جلالی از ۹ سال قبل تاکنون به ۲۴ نفر رسیده است.



بودند و آنهایی که وسیله‌ای نداشتند هم با سنگ می‌زدند. از طرفی همان روز ۱۳ نفر از طایفه ما هم هدف گلوله قرار گرفتند اما مجروح شدند و از ما فقط یک نفر کشته شد ولی متأسفانه همه افرادی که از آنها تیر خورده بودند کشته شدند. متأسفانه فرهنگ نادرستی در آنجا وجود دارد که وقتی درگیری اتفاق می‌افتد همه می‌روند و دعوا را نگاه می‌کنند و به همین دلیل تعداد تلفات زیاد می‌شود.

در ادامه این درگیری‌ها چه اتفاقی افتاد؟

من و چند نفر دیگر دستگیر شدیم. اعضای طایفه ما خانه‌هایشان را ترک و به‌طور کامل روستا را تخلیه کردند. فقط طایفه مقابل در روستا بودند. از ما ۱۴ نفر در زندان بودند. سال ۹۶، ۵ نفر از ما کشته شد. بعد از ادامه درگیری‌ها آنها هم مجبور شدند خانه‌هایشان در روستا را تخلیه کرده و از آنجا بروند. به این ترتیب بود که روستا به‌طور کامل تخلیه شد و درگیری‌ها باعث شد که هیچ‌کس در روستا زندگی نکند. در ادامه حکم قصاص ۲ نفر از ما اجرا و برای مدتی روستا آرام شد. اما باز هم درگیری‌ها ادامه پیدا کرد.

مهم‌ترین دلیل ادامه این درگیری‌ها چیست؟

باور کنید همه از ادامه این درگیری‌ها خسته شده‌اند. همه ما را سرزنش می‌کنند که چرا زندگی‌تان را به‌خاطر یک درگیری ساده و پیش و پا افتاده تباه کرده‌اید. دو نفر بر سر موضوعی با هم درگیر شدند اما حالا صدها نفر زندگی‌شان از بین رفته و خیلی‌ها قید زندگی در روستای آباء و اجدادشان را زده‌اند و برای اینکه زندگی آرامی داشته باشند به‌طور کلی از اینجا مهاجرت کرده‌اند. همه از این وضعیت خسته شده‌ایم و به دنبال راهی هستیم که به آرامش برسیم. اگر همان سال‌های اول بین دو طایفه صلح ایجاد می‌شد شاید کار به اینجا کشیده نمی‌شد. نمی‌دانم نسل‌های بعدی درباره ما چه خواهند گفت که این همه سال زندگی‌مان را به‌خاطر اختلافات طایفه‌ای هدر دادیم. منطقه ما تشنه صلح است و امیدوارم که با پادرمیانی بزرگان دوطرف بار دیگر همه با هم آشتی کنند.

جوان‌ها مقصر هستند

آنهایی که از ابتدا در جریان درگیری‌های مرگبار در پتک جلالی هستند می‌گویند مقصر ادامه این درگیری‌ها جوانان دو طایفه هستند؛ چرا که به حرف‌های بزرگان گوش نمی‌کنند و با تندروی باعث ادامه این اختلافات شده‌اند.

یکی از اعضای طایفه موسایی که خواست نامش منتشر شود درباره ادامه این درگیری‌ها به همسهری سرخ می‌گوید: در هر دو طایفه جوان‌هایی وجود دارند که تندروی می‌کنند و حاضر نیستند اختلافات گذشته را کنار بگذارند. مدام به دنبال پنهان هستند تا بار دیگر درگیری درست کنند. این در حالی است که بزرگان دوطرف با یکدیگر مشکلی ندارند و با هم صلح کرده‌اند اما تندروی این جوانان در هر دو طرف باعث شده که درگیری‌ها به اینجا کشیده شود.

او ادامه می‌دهد: هنوز هیچ‌کس به درستی نمی‌داند که نخستین درگیری بین دو طایفه چطور اتفاق افتاد. ما سال‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کردیم و مشکلی نداشتیم. حتی وصلت‌های زیادی هم بین دوطرف انجام شده بود و همگی در روستا کنار هم به خوبی زندگی می‌کردیم اما از زمانی که درگیری‌ها اتفاق افتاد خانه خیلی‌ها را آتش زدند و روستا خالی شد. سر نوشت خیلی‌ها تغییر کرد. آن هم به‌خاطر درگیری بین یکی دو نفر. دو طایفه که هر کدام صدها نفر عضو دارند باید در اختلاف چند نفر بسوزند و زندگی‌شان خراب شود.

این عضو طایفه موسایی در ادامه می‌گوید: در این درگیری‌ها برادر من هم مجروح شده در صورتی که او با هیچ‌کس اختلاف و مشکلی نداشت. یا همین چند روز قبل فردی که از طایفه محمدی به قتل رسید مرد بی‌گناهی بود. او و همسرش سوار بر ماشین بودند که چند نفر راه‌شان را سد و شروع به تیراندازی کردند و این مرد را که یک معلم بازنشسته بود به قتل رساندند. برادر او قبلاً در درگیری‌ها حضور داشت اما او خودش مرد خوبی بود و کاری به درگیری طایفه‌ای نداشت اما افرادی که به او تیراندازی کردند احتمالاً به‌خاطر برادرش دست به چنین کاری زدند. در حقیقت او تقاص برادرانش را پس داد. در این چند ساله بزرگان دوطرف بارها تلاش کردند دو طایفه به صلح و سازش برسند اما جوان‌های دوطرف باز هم تندروی می‌کنند و مانع می‌شوند.